

مجموعه حکمت جاویدان (۱۰)

مبانی هنر مسیحی

تیتوس بورکهارت

ترجمه امیر نصری

بورکهارت، تیتوس، ۱۹۰۸ - ۱۹۸۴ م. Burckhardt, Titus
مبانی هنر مسیحی / نویسنده: تیتوس بورکهارت؛ مترجم: امیر نصری.
تهران: حکمت، ۱۳۹۰.
۱۴۵ ص: مصور (رنگی).
۲۷-۶-۲۳۴-۹۶۴-۹۷۸
فیبا
The Foundations of Christian Art
هنر مسیحی و سمبولیسم - تاریخ
نصری، امیر، ۱۳۵۸ - ، مترجم
۱۵۰ BV / ۲ م ۱۳۸۹
۲۴۶
۰۲۷۴۲۲۲

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت: عنوان اصلی:
موضوع:
شماره افزوده:
رده‌بندی شماره:
رده‌بندی دی‌سی:
شماره کتابشناسی ملی:

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات حکمت



با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نشانی

تهران، خیابان انقلاب،

ابتدای خیابان ابوریحان، شماره ۹۴

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹ و ۶۶۴۶۱۲۹۲

نمابر: ۶۶۴۰۶۵۰۵

با سپاس فراوان از انتشارات ورلد ویزدم برای در اختیار گذاشتن تصاویر و به‌خصوص
کتاب دکتر علیرضا کریمی‌زیارانی برای همکاری ایشان در ویرایش متن.

© World Wisdom

P.O. Box 2682

Bloomington IN 47402 USA

www.worldwisdom.com

www.ketab.ir

تیتوس بورکهارت

نویسنده:

امیر نصری

مترجم:

حسین خندق‌آبادی

دبیر و ویراستار مجموعه:

اتوشه صادقی‌آزاد

صفحه‌آرایی:

حسن کریم‌زاده

طراح جلد و بویقرم:

اول / ۱۳۹۰

توبت چاپ:

۳۰۰۰ نسخه

شمارگان:

۱۵۰۰۰ تومان

قیمت:

چاپ و نشر کیمیای حضور

امور فنی:

© همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است



فهرست

۷	پیش‌گفتار مترجم
۹	مقدمه ویراستار
۱۳	پیش‌گفتار
۱۵	درآمدی بر هنر مقدس مسیحی
۱۹	نقش نسخه‌های مذهب در هنر مسیحی
۴۴	اورشلیم آسمانی
۵۷	مبانی هنر مسیحی
۶۶	درگاه سلطنتی کاتدرال شارتر
۷۸	دو نمونه از نمادپردازی مسیحی
۹۶	درگاه قدیس گال
۱۰۸	سیمونه مارتینی
۱۱۴	پیام الهیاتی شمایل‌های روسی
۱۱۷	زوال و احیای هنر مسیحی
۱۳۴	رנסانس متأخر و باروک: «تراژدی هنر مسیحی»
۱۴۱	شرح تصاویر
۱۴۴	منابع





پیش گفتار مترجم

ک

تاب مبانی هنر مسیحی دربردارنده مقالات و گزیده‌ای از آثار تیتوس بورکه‌هارت در باب هنر مسیحی است که همراه تصاویری متناسب با متن پس از مرگ وی گردآوری شده‌اند. بورکه‌هارت در این اثر، همچون سایر آثارش، از منظر نویسندگی سنت‌گرا به آثار هنری و عقاید آنها پرداخته است و به مطالعات صرفاً مبتنی بر تاریخ هنر و باستان‌شناسی عنایتی ندارد و آن دسته‌ای از آکادمیک را مولود عصر مدرن می‌داند که با «نگرش سنتی» نسبت به آثار هنری سرکاری چندان‌ی ندارند. توجه به این نکته مشخص می‌سازد که نباید در آثار وی به دنبال سبک تاریخی یک هنر بود، بلکه وی در بحث از هر سنت هنری صرفاً به بخشی از ادوار تاریخی آن هنر توجه دارد و از این‌روی به برخورد گزینشی با آثار هنری متهم می‌شود. مباحث وی در باب هنر مسیحی نیز از این امر مستثنی نیستند. وی در این کتاب در صدد است تا به تفسیر تجربه عالم مسیحیت در زمینه هنرها و صنایع بپردازد. بورکه‌هارت این تجربه را فراتر از یک تجربه تاریخی صرف می‌داند و معتقد است که باید آن را با معانی فراتاریخی مسیحیت، یعنی با زبان و بیان وحی (تجسد) و لوگوس الهی، پیوند زد.

از این حیث، با توجه به ارتباط هنر مسیحی با آموزه‌های مسیحیت، نتیجه می‌گیرد که می‌توان هنر مسیحی را به دو دوره کلی تقسیم کرد: نخست هنر صدر مسیحیت و قرون وسطی است که در این دوران نگرش سنتی حاکم است و می‌توان بسیاری از آثار متعلق به آن را زیرمجموعه «هنر مقدس» دانست، دو دیگر دوران پس از قرون وسطی است که با هنر اومانیستی رنسانس آغاز می‌شود و به پیدایی هنر مدرن می‌انجامد. وی کل این دوران را با زوال هنر مسیحی مصادف می‌داند و معتقد است که در هنر این دوران غلبه با «هنر ناسوتی» است. با توجه به این ملاحظه می‌توان اذعان داشت که این کتاب در حقیقت به مبانی «هنر مقدس» مسیحی اشاره دارد که مطابق نگرش سنت‌گرایان بازتاب حقایق الهی و اصول سنتی عالم مسیحیت است، به نحوی که بدون توجه به آنها نمی‌توان به فهم این هنر از منظر سنتی نخواهیم بود. بدین ترتیب، این کتاب صرفاً به یک تفسیر «ممکن» از هنر مسیحی قرون وسطی اختصاص دارد و هدف از ترجمه آن نیز چیزی جز معرفی این نحوه نگرش نیست.

امیر نصری

گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

پاییز ۱۳۸۹





مقدمه ویراستار

این گزارش‌های تاریخی بیرون می‌کشد که «به ناظران آن زمان اجازه می‌دهد تا سخنگوی خود باشند» و بدین‌سان نگاه اجمالی دقیقی به گذشته فراهم می‌آورد که در غیر این صورت به‌سختی قابل حصول می‌بود.

کتاب مبانی هنر مسیحی نشان می‌دهد که فرهنگ و معنویت به‌نحو لاینفکی به هم مرتبط‌اند، زیرا فرهنگ ظاهری هر جامعه‌ای ترجمان اجتماعی و هنری دین اصلی آن جامعه است. بورکهارت برای ترسیم این رابطه یادآور می‌شود که در هزار و پانصد سال نخست تاریخ مسیحیت هر فردی که چیزی می‌ساخت، از جمله همه اعضای یک صنف صنعتگر، عملاً بخشی از اثر هنری بود. در خلال این دوران «آثار هنری» و «صنایع» تا حدی درهم آمیخته بودند و هنر نتیجه صنعتگری استادانه بود. اصلاً اغراق نیست که «گوئیم هر انسان یک هنرمند بود.^۱ چنان‌که بورکهارت می‌نویسد، «هیچ هنری سزاوار لقب [هنر مقدس] نیست مگر آنکه صور آن فی‌نفسه نگرش معنوی به دینی خاص را منعکس سازند».

هنگامی که تفکر انسان‌گرایانه در دوران رنسانس ظهور کرد، معنای ضمنی واژه «هنر» تغییر یافت و دیگر ذوق و قریحه معنوی مسیحیت

یتوس بورکهارت، مورخ هنر و انسان‌شناس فرهنگی متوفای سوئسی، از بزرگ‌ترین خبرگان صور مقدس تمدن‌های سنتی‌ای بود که هر یک از ادیان بزرگ عالم را احاطه کرده‌اند. در کتاب حاضر مجموعه مقالات بورکهارت در باب هنر مقدس مسیحی، همراه با تصاویری از سراسر تاریخ مسیحیت در تک‌تک صفحات آن، از منابع مختلف گرد هم آمده‌اند. این تصاویر به توضیحات و تبیین‌های خردمندانه‌ی وی شور و حیات می‌بخشند و به خواننده یاری می‌رسانند تا نه تنها به فهم بلکه به هم‌چنین به تجربه‌ی زیبایی عالم مسیحیت دست یابد. که قسمت اعظم آن به تاریخ پیوسته است. ^۱ آید.

کتاب حاضر خواننده را به سفری تاریخی می‌برد که شکل‌گیری هنر مقدس مسیحی از نسخه‌های مذهب کتاب مقدس را دربر دارد. مقالات بورکهارت شکوفایی تمدن و هنر مقدس مسیحی، از جمله معماری، شمایل‌نگاری و اصناف هنرها و صنایع، را تا نیمه هزاره دوم مسیحی ترسیم می‌کنند.

مشخصه تبحر بورکهارت تحقیق موشکافانه در متون مورخان و شخصیت‌های طراز اول تاریخ مسیحیت است. وی سپس مواردی را از

۱. طرح‌ها و تصاویر این کتاب را بورکهارت فراهم آورده یا انتخاب کرده است. این تصاویر [تنها] اسلوب‌ها و تصورات زیبایی‌شناسانه مختلفی را که مؤلف بدان اشاره کرده است باز می‌نمایند و در پی ارائه خلاصه جامعی از هنر مسیحی نیستند.
۲. این نظر به تفصیل در گزیده مقالات زیر بررسی شده است:



انحطاط اوضاع و احوال مدرن، هنوز به احیای هنر مقدس مسیحی امید داشت. فصل آخر کتاب حاضر با عنوان «زوال و احیای هنر مسیحی» معیار تولد دوباره هنر مسیحی به معنای دقیق کلمه را ارائه می‌دهد.

□□□

فصل «نقش نسخه‌های مُذهَّب در هنر مسیحی» در هیچ‌یک از کتاب‌های دیگر بورکهارت یافت نمی‌شود و سرگذشت جالبی دارد. این متن در دهه شصت نگاشته شد و ثمره تحقیق پیشگامانه بورکهارت به‌عنوان سرپرست تجدیدچاپ نسخه‌های مُذهَّب برجسته قرون وسطی، از جمله کتاب کلز، کتاب دوررو و کتاب لیندیسفان بود. این مجموعه تجدیدچاپ‌ها با تحسین بسیاری روبه‌رو شد و این مقاله راهنمایی برای تبیین اهمیت این نسخه‌های متقدم مسیحی در چهارچوب تاریخ هنر مسیحی بود. انتشار کتاب کلیه مقالات خصوصی مبسوطی با پاپ پیوس دوازدهم منسوخ شد و در آن ملاقات در باب به اصطلاح «اصطلاح» و نسخه‌های مُذهَّبی که چنان ظرافتمندانه در خلال آن دوران پدید آمدند سخن گفتند. پاپ و پیمان ملاقات به بورکهارت گفت: «از صمیم قلب برای شما، خانواده، همکاران و دوستانان آرزوی سعادت داریم».

□□□

را منعکس نمی‌ساخت. برای نخستین بار هنر بر طیف خاصی از اشیا دلالت می‌کرد که صرفاً به دست انسان‌هایی ساخته شده بود که، بر مبنای قریحه فردیشان، استعداد زیبایی‌شناسانه خاصی برای خلاقیت داشتند. وقتی که این آزمایشگران هنری در بیان خلاقیت فردی‌شان به شیوه‌های مبدعانه‌تر به رقابت پرداختند، ارتباط «هنر»-شان با اصول معنوی بیادینی که در هزار و پانصد سال پیش از آنها مشخصه هنر مسیحی بود قطع شد. مکتب انبیا گریانو و سانس زمینه ایجاد مکاتب هنری مدرنی را فراهم کرد، که در نهایت به «مدرنیسم» منتهی می‌شد. نکته‌ای که در آن هیچ معیار عینی برای نه‌گویی اسلوب و نه برای موضوع هنر وجود ندارد. زیبایی‌ای که نتیجه رسوخ مسیحیت در تقریباً همه قرون وسطای غرب است کاملاً در تقابل با زیبایی‌شناسی اغلب زشت و ناقص جامعه مدرن است که بر دنیای به‌شدت غیردینی و فردگرایانه ما سایه افکنده است. بنابراین، تعجب‌برانگیز نیست که امروز «هنر در چشم ناظر باشد» و مردمانی با فردیت‌هایی بسیار پرجذبه - حتی اگر از حیث ذهنی بیمار باشند - به‌عنوان هنرمندان بزرگ تحسین شوند؛^۱ و زشت‌ترین و دنیوی‌ترین اشیا می‌توانند موضوع هنر بزرگ باشند.

بورکهارت، علی‌رغم توصیف دقیق خود از

۱. تحلیل عالی این ملاحظه و نیز تحقیق در آنچه «قریحه و استعداد» حقیقی است را در مقاله «مرکز داشتن» شوان می‌توان یافت که در کتاب‌های زیر منتشر شده است.

Frithjof Schuon, *To Have a Center*, World Wisdom, 1990; *Every Branch in Me: Essays on the Meaning of Man*, edited by Barry McDonald, World Wisdom, 2002.



بورکهارت دو کتاب دیگر نگاشت که بر سنت مسیحی متمرکز بودند. نخست کتاب سینا، شهر مریم عذرا،^۱ که در آن «تقدیر شهری را ترسیم می‌کند که نمونه‌ای برای گسترش معنوی مسیحیت غربی از سده‌های میانه تا روزگار ماست...». این کتاب نشان می‌دهد که شهر سینا، که تا روزگار ما باقی مانده، از بهترین نمونه‌های حفظ‌شده یک شهر سنتی مسیحی است. همچنین بصیرت‌هایی را در باب تأسیس اولیه شهر بر پایه سنتی مقدس و پی در پی زوال بعدی فرهنگ مقدس این شهر به سبب سیطره ارزش‌های دنیوی و انسان‌گرایی فراییده بعدی در اختیار می‌نهد.

اثر برجسته بورکهارت در باب معماری مقدس مسیحی را به بهترین وجه در عبارت خود او می‌توان توصیف کرد: «هدف [کتاب شارتر و پیدایی کاتدرال]^۲ این است که به نحوی تا حد امکان موثق بیان کنیم که کاتدرال گوتیک در چه حال و هوای معنوی‌ای پدید آمد... مقصود من نشان دادن این امر است که چگونه است که کاتدرال گوتیک

آخرین ثمره درخت سنتی باستانی است». بنابراین، مبانی هنر مسیحی مکملی برای دو کتاب دیگر بورکهارت در باب هنر و تمدن مسیحی، سینا و شارتر، است. این سه کتاب در کنار یکدیگر بیانگر توانایی منحصر به فرد بورکهارت برای ارائه ذات عالم مقدس مسیحی است، چنان‌که گویی در آن دوران زندگی می‌کرده‌ایم.

□□□

نبوغ بورکهارت برای فهم و تفسیر هنرها و صنایع مقدس به مسیحیت محدود نمی‌شد. اثر تأثیرگذار وی با عنوان هنر مقدس در شرق و غرب با جنبه‌های هنری، فرهنگی و فلسفی سنت‌های مسیحی، اسلامی، بودایی، هندویی و شرق دور سروکار دارد. همچنان‌که ویلیام استادارت در مقدمه ویراستار کتاب برگزیده مصنفات بورکهارت متذکر می‌شود: «یکی از اموری که دوباره بورکهارت فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد طیف وسیع علایق وی است. در واقع عالم خود را تخصصی او بود».

مایکل ارن فیتزجرالد
مارس ۲۰۰۵
بلومینگتن، ایندیانا





www.ketab.ir



پیش گفتار

ثابت و لایتغیر نهفته در ذات هر فرد را می‌فهمیم. بورکهارت آشکار می‌سازد که هنر دقیقاً این ارجاع بلاواسطه به ارزش‌های جاویدان هر فرهنگ و جامعه انسانی است. در نظر بورکهارت، هنر در بهترین وجهش حقایق جاویدان را آشکار می‌سازد و در بدترین وجهش خیانت به انسانیت است در قالب لذت‌گرایی و نیست‌انگاری مادی‌گرایانه.

بورکهارت، به سبب سرشت اساساً معنوی‌اش، بصیرت‌های بسیاری در باب سمبولیسم و صنایع دستی مسیحی مطرح ساخته است. همچنین، به سبب اقبالش به تصوف با نهایت التزام و ایمان، معانی سمبولیک و باطنی نهفته در هنر اسلامی را نیز آشکار کرده است.

وضوحی که در گذر هم‌زمان از عوالم بالفعل^۱، سمبولیسم، خصوصیات فرهنگی و معنای معنوی برای خواننده حاصل می‌شود بزرگ‌ترین دستاورد این محقق عظیم‌الشان سده بیستم است. اینکه امروزه وی هنوز برای خوانندگان بسیاری کاملاً شناخته‌شده نیست، جای تعجب نیست - بلکه در عالمی که امروز آن به‌سر می‌بریم اجتناب‌ناپذیر است. این امر مدبران بی‌توجهی‌های وسیع و مسیرهای گمراه‌کننده عصر است. با این حال، در دنیای مدرن اشتیاق کاملاً آشکار برای حقیقت، احسان و پرده‌برداری از زیبایی حقیقی، که تیتوس بورکهارت به آن نائل آمد، وجود دارد؛ وی به موقعش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نویسندگان برای احیای ارزش حقیقی هنر در قرن بیستم و حتی در قرن بیست‌ویکم شناخته خواهد شد.

کیت کرتیچلو

سپتامبر ۲۰۰۵

تیتوس بورکهارت شارح امر ازلی و بی‌زمان است؛ ساحتی که در باب آن استعمال کلمه «مورخ» به معنای جدیدش تنزل مقام است. بورکهارت بیش از هر مؤلف دیگری در طی پنجاه و شاید صد سال گذشته به بازیابی و احیای اصول بنیادین مقصود هنرها مشغول بود - البته اگر این فرض را بپذیریم که هنرها چیزی بیش از لذت‌جویی صرف و «بیان فردی» هستند.

بورکهارت، نظیر سده‌قلیلی از دیگر افراد بابصیرت این قرن، برای بازیابی ریشه‌های هنرهای انسانی تلاش می‌کرد. وی در چنین تلاشی به احیای این فهم عمیق نائل آمد که در آن هنرهایی که حقیقتاً بازتاب تمدن‌هایشان هستند که جهان‌شمولی (هرچند از حیث باطنی) قابل تشخیصی نهفته است - این هنرها نه تنها تمدن‌های مختص به خود را منعکس می‌سازند، بلکه، به‌واسطه این واقعیت که حقایق جاودانه‌ای را که هر تمدنی بر مبنای آن ایجاد شده است همواره نو می‌گردانند، به استمرار آن تمدن‌ها یاری می‌رسانند. گستره و عمق تحقیقی وی هیبت‌برانگیز است:

از عالم کلاسیک افلاطون و فیثاغورث تا بوئتیوس و سیسرون؛ از ارسطو تا مکتب شارتر. اطلاع وی از شاعران، حکیمان، دانشمندان، موسیقیدانان و هنرمندان مسلمان به همان اندازه وسیع و عمیق است.

وی اشاره می‌کند که هنر نشانگر یک «آن بی‌زمان»، نوعی «هستی فارغ از بود و نبود»^۲ است، [البته] اگر چنین عبارتی مجاز باشد. از عبارت انگلیسی کهن thou art (تو هستی) معنای امر

1. is-ness

۲. actuality در اینجا در تقابل با Reality (واقعیت) به کار رفته است: Reality ساحت امر ثابت است، در حالی که actuality حالتی گذراست، که ما آن را «جهان ما» می‌خوانیم.

